

مسئله آفرینش زن از منظر قرآن و عهدین

نوریه حسینی^۱

چکیده

با توجه به نقش بنیادین دین در زندگی انسان، پرداختن به موضوع زن و مسائل مرتبط با او از منظر متون دینی، ضرورتی انکارناپذیر دارد. به‌ویژه در دوران معاصر که توجه به حقوق زنان در ابعاد گوناگون افزایش یافته است، بررسی دیدگاه ادیان ابراهیمی درباره زن، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. از این رو، بسیاری از پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه مطالعات زنان، با رجوع به منابع اصلی ادیان ابراهیمی یعنی قرآن و عهدین، در پی فهم دقیق جایگاه زن و بازخوانی روایت‌های دینی پیرامون او هستند. یکی از مسائل اساسی در این زمینه، مسئله خلقت زن است که در هر سه متن مقدس یادشده به‌نوعی مطرح شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که روایت‌های مربوط به آفرینش زن، به‌ویژه در عهدین، با چالش‌ها، ابهامات و تفاسیر نابرابر و گاه تحقیرآمیزی همراه بوده که مورد نقد جدی اندیشمندان قرار گرفته است. در مقابل، قرآن با نگاهی عقلانی‌تر و انسانی‌تر به آفرینش زن پرداخته و ماهیتی مشترک میان زن و مرد قائل شده است. بر این اساس، این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی تطبیقی مسئله آفرینش زن در قرآن و عهدین پرداخته و هدفش این است تصویری روشن از نگاه هر یک از این متون به سرشت و خاستگاه وجودی زن ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، عهدین، آفرینش زن، سرشت انسان، کرامت ذاتی زن

۱. دانش‌پژوه دکتری فقه و مبانی اسلامی، دانشگاه مذاهب الاسلامیه، تهران، ایران

ایمیل: Nooriahussaini12@gmail.com



مقدمه

زنان به‌عنوان نیمی از پیکره جامعه بشریت، نقش بنیادینی در رشد، تعالی و شکوفایی جوامع انسانی ایفا کرده‌اند. آنان نه تنها در پرورش نسل‌ها، بلکه در روند تمدن‌سازی و حرکت تاریخ نیز سهمی انکارناپذیر دارند. از این رو، سخن گفتن از انسان، تاریخ انسان یا آینده بشریت، بدون در نظر گرفتن جایگاه و نقش زنان، سخنی ناقص و ناتمام خواهد بود. با این حال، بررسی تاریخی نشان می‌دهد که زنان، علی‌رغم حضور مؤثر در حیات جمعی، هرگز نتوانسته‌اند جایگاه شایسته و متعالی خود را در جوامع انسانی به‌دست آورند و همواره با اشکال گوناگونی از تبعیض، بی‌عدالتی و نگرش‌های ناروا مواجه بوده‌اند.

اهمیت این موضوع زمانی آشکارتر می‌شود که ردپای این بی‌عدالتی حتی در متون مقدس برخی ادیان الهی، از جمله یهودیت و مسیحیت، نیز دیده می‌شود. ادیانی که با منشأ و حیانی و تعالیم الهی آغاز شده‌اند؛ اما همواره تحت تأثیر جهل، منافع فردی و تحریف‌های بشری، از مسیر عدالت و حقیقت فاصله گرفته‌اند. چنین تحریفاتی موجب شده است تا در نگاه بسیاری از جریان‌های فمینیستی و مدافعان حقوق زنان، دین نه تنها مدافع حقوق زن نباشد، بلکه خود بخشی از مسئله تلقی گردد. یکی از نقاط کانونی این نقدها، داستان خلقت زن، به‌ویژه آفرینش حوا در کتاب مقدس است که در سنت یهودی-مسیحی جایگاه زن را در موقعیتی فروتر نسبت به مرد تثبیت کرده است.

در مقابل، قرآن کریم با ارائه روایتی متفاوت، عقلانی و عاری از تعصب جنسیتی در مسئله آفرینش زن، زمینه‌ای برای بازخوانی عدالت‌محور این موضوع فراهم کرده است. این کتاب آسمانی، حقوق و جایگاهی انسانی و متعالی برای زن قائل شده است؛ چه در عرصه خانواده و چه در سطح اجتماع. بنابراین پژوهش حاضر بر آن است تا با نگاهی تطبیقی میان قرآن و عهدین، مسئله خلقت زن را مورد بررسی قرار داده و نشان دهد که آموزه‌های قرآنی، برخلاف برخی ادیان تحریف‌شده، امکان پاسخ‌گویی به بسیاری از نقدهای معاصر درباره جایگاه زن در دین را فراهم می‌آورد.



۱. مفهوم شناسی

۱-۱. قرآن

قرآن کتاب آسمانی مسلمانان و معجزه جاویدان پیامبر گرامی اسلام^(ص)، جایگاهی بی‌بدیل در میان متون دینی دارد. این کتاب مقدس نه تنها منشأ هدایت، بلکه مرجع اصلی آموزه‌های اسلامی است. در خصوص مفهوم و چرایی نام‌گذاری این کتاب به «قرآن»، دیدگاه‌های گوناگونی از سوی مفسران و زبان‌شناسان اسلامی مطرح شده است. برخی از اندیشمندان، واژه «قرآن» را اسم جامد و غیر مشتق دانسته‌اند که خداوند متعال به‌عنوان نامی خاص بر این کتاب نهاده است. در این دیدگاه، «قرآن» تنها به‌عنوان علم برای کتاب آسمانی اسلام به کار رفته و معنای دیگری برای آن تصور نمی‌شود. این نظر بر آن است که نام‌گذاری قرآن امری توقیفی و برخاسته از اراده الهی است، نه ساخته و پرداخته قواعد صرفی و نحوی زبان عربی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱: ۶۶۹؛ السیوطی، بی‌تا، ۱: ۱۴۶). برخی دیگر نیز قرآن را مشتق از ریشه «قرء» به معنای جمع شدن می‌دانند؛ زیرا کتاب مقدس، تمام ثمرات کتب آسمانی پیشین را در خود جمع نموده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱: ۶۶۸؛ السیوطی، بی‌تا، ۱: ۱۴۷). دیدگاه سوم نیز وجود دارد مبنی بر اینکه واژه قرآن مصدر، مشتق از ریشه «قرأ» و به معنای تلاوت و خواندن است (السیوطی، بی‌تا، ۱: ۱۴۶-۱۴۷).

چنانکه روشن است، در میان اقوال مطرح شده، دیدگاه سوم از همه اقوال قوی‌تر است؛ زیرا برخی از آیات چون «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ»، (قیامت: ۱۸-۱۷) نیز بر آن تأکید می‌کند. از همین رو علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، این آیه را چنین معنا می‌کند: «قرآن در این جا مصدر است، مثل فرقان و رجحان و هر دو ضمیر راجع به وحی هستند؛ یعنی در خواندن قرآن عجله نکن، زیرا جمع کردن آنچه وحی می‌کنیم و خواندن آن بر عهده ما است... و چون آن را خواندیم پیروی کن و بخوان» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲: ۱۰۹).

۱-۲. عهدین

عهدین نام دو کتاب «عهد عتیق» و «عهد جدید» است که مجموع این دو کتاب نزد



مسیحیان تحت عنوان «کتاب مقدس»^۱ مورد احترام است. البته عهد عتیق^۲ اصطلاحی است که مسیحیان برای اشاره به کتب مقدس یهودیان به کار می‌برند. حال آن که یهودیان در ادبیات دینی خویش برای اشاره به کتاب مقدس معمولاً از عباراتی چون «سفری هاقودش» به معنای کتاب‌های مقدس و یا واژه‌هایی چون «کتوفیم» به معنای کتاب، «تورات»^۳، «مقرا» و «تنخ» استفاده می‌کنند (المسیری، ۱۳۸۳، ۵: ۸۲). این عهد شامل ۳۹ کتاب است که می‌توان آن را به سه دسته الف: «تورات» یا اسفار پنج‌گانه حضرت موسی، ب: «نبی‌ایم» یا اسفار انبیاء و ج: «کتوبیم» یا کتاب‌های اندرز و حکمت، تقسیم کرد.

عهد جدید^۴ یا انجیل^۵ نیز کتاب مقدس مسیحیان است که در مجموع شامل اناجیل چهارگانه اعمال رسولان، نامه‌های رسولان و مکاشفات یوحنا است.

برای توضیح باید گفت، «عهد» یا پیمان، در حقیقت اشاره به رابطه دارد که خداوند با آدمی برقرار ساخته است؛ (ای. وان وورست، ۱۳۸۴: ۴۰) زیرا مسیحیان معتقد هستند خداوند با انسان‌ها دو پیمان بسته است. نخستین پیمان، پیمان کهن یا عهد عتیق است که خداوند آن را با حضرت ابراهیم^۶ و اعقابش و سپس از طریق حضرت موسی^۷ با بنی اسرائیل منعقد کرده و آنان را به عنوان قوم خاص خود برگزیده است. مفاد این پیمان نیز بر پایه تشریع و قوانین و وعده و وعید است. پیمان دوم یا عهد جدید، پیمانی است که میان خداوند و عیسی مسیح^۸ صورت گرفته است؛ زیرا بر مبنای اعتقاد مسیحیان، عیسی^۹ تجلی انسانی خداوند (خدای پسر) بر روی زمین است که تجسد یافته و با تحمل رنج صلیب و مرگ خویش، کفاره گناه ذاتی انسان را پرداخت کرده است. همچنین بر خلاف عهد عتیق، تمام انسان‌ها شامل این عهد و پیمان هستند (توفیقی، ۱۳۸۵: ۱۵۸-۱۵۹). چنانکه در انجیل یوحنا می‌خوانیم: «زیرا خداوند جهان را به قدری محبت نمود که پسر

1. Holly Book.

2. Old Testament.

۳. تورات (Torah) واژه با ریشه عبری است که در ادبیات دینی یهود در معانی چون «وصایا»، «شریعت»، «اوامر» و «تعالیم» به کار رفته است. این واژه نخست برای اشاره به اسفار پنج‌گانه موسی به کار می‌رفت ولی در ادامه تبدیل به مفهومی گشت که تمام کتب عهد عتیق و کل تعالیم دینی یهود را در بر می‌گیرد (همان، ص ۵۸).

4. New Testament.

۵. واژه انجیل (Noilegendue) واژه یونانی به معنای مژده و بشارت است (توماس، ۱۳۷۷، ص ۴۳).



یگانه خود را بخشید تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودان بیابد؛ زیرا خدا پسر خود را در جهان نفرستاد تا بر جهان داوری کند، بلکه فرستاد تا به وسیله او جهان نجات یابد» (یوحنا، باب ۳: ۱۷-۱۶).

۲. بررسی و تبیین آفرینش زن در عهدین

۲-۱. جایگاه زن در عهدین

در میان ادیان ابراهیمی، یهودیت با پیشینه‌ای افزون بر پنج هزار سال، قدیمی‌ترین دین توحیدی به‌شمار می‌رود. این دین، با وجود ریشه‌های الهی خود، تأثیرات عمیقی در شکل‌گیری بنیان‌های فکری و فرهنگی بسیاری از جوامع بشری بر جای نهاده است. با این حال، به دلیل قدمت طولانی و تعامل مداوم با فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون، تعالیم آن بیش از سایر ادیان ابراهیمی در معرض تحریف، دگرگونی و تأویل‌های انسانی قرار گرفته است.

یکی از حوزه‌های مهم و مناقشه‌برانگیز در دین یهود، مسئله جایگاه زن است. بررسی متون مقدس یهودی به‌ویژه عهد عتیق، نشان می‌دهد که زن در این دین از منزلتی فروتر از مرد برخوردار است و ساختار اجتماعی و دینی بر محور برتری ذاتی مردان سامان یافته است. بر اساس این باور، زن موجودی تبعی و ناقص شمرده شده و از بسیاری حقوق اجتماعی، دینی و آموزشی محروم گشته است. برای نمونه، در متون توراتی آمده است: «هر کس تورات را به دختر خود بیاموزد، گویی سخن بیهوده و ناپسندی به او آموخته است». همچنین حضور در عبادات و مناسک دینی همچون نماز، دعا و قربانی، تنها به مردان اختصاص داشته و زنان از مشارکت یا حتی مشاهده این مراسم منع می‌شده‌اند (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۳۳۰-۳۳۲).

در برخی منابع دینی یهود، تا آنجا پیش می‌رود که زن باید از زن بودن خود احساس شرمساری داشته باشد، در حالی که مردان، به دلیل مرد بودن، مأمور به شکرگزاری روزانه در برابر خداوند هستند. این نگاه جنسیت‌محور و نابرابر، نه تنها جایگاه زن را در ساحت الهی تضعیف می‌کند، بلکه پایه‌گذار نوعی نظام اجتماعی ناعادلانه در سنت یهودی نیز می‌شود. گواه این مسئله دعایی است که مردان یهودی در صبح می‌خوانند: «خدایا تو را

سپاس می‌گویم که مرا کافر و زن نیافریدی» (دورانت، ۱۴۰۱: ۴۹).

اما مسیحیت به طور کلی در مقایسه با تعالیم پدرسالارانه یهودیت، نگاه متعادل‌تری نسبت به زنان دارد. در این دین، حضرت مریم^(ع) نماد پاکی و ایمان است و تعالیم حضرت مسیح^(ع) و رفتار برابری خواه او با زنان به خوبی بیان‌گر چنین امری است؛ اما با گذشت زمان شاگردان مسیح^(ع) راه ایشان را ادامه ندادند. تاجایی که در انجیل کاتولیک تولد نوزاد دختر، عامل خسارت و درد برای پدر معرفی شده است (انجیل کاتولیک، فصل ۳، آیه ۲۲). یا پولس زن را عامل فریب مرد و تجاوز به حدود الهی معرفی می‌کند (نامه اول پولس به تیموتسیوس، باب دوم، آیه ۱۱ تا ۱۴). از همین رو مهم‌ترین وظیفه‌ای که عهد جدید برای زن قائل است اطاعت بی‌قید و شرط از شوهر است و چنین اطاعتی را همانند اطاعت از مسیح می‌دانند. «ای زنان! شوهران خود را اطاعت کنید، چنان که خداوند را» «همچنان که کلیسا مطیع مسیح است، زنان نیز شوهران خود را در هر امری مطیع باشند» (افسیسیان، باب ۵: ۲۲-۲۴).

بی‌تردید یکی از عوامل بنیادین در شکل‌گیری نگرش منفی نسبت به جایگاه زن در سنت‌های دینی یهودیت و مسیحیت، نحوه روایت آفرینش زن در متون مقدس این دو دین و نیز نقش او در ماجرای گناه نخستین است. تصویر ارائه‌شده از حوا در کتاب مقدس عبری و عهد جدید، نه تنها بر ادراک دینی از زن تأثیر گذاشته، بلکه بر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی تابع این ادیان نیز سایه افکنده است. ازاین‌رو، برای درک ریشه‌های نگاه تبعیض‌آمیز به زن در این سنت‌ها، بررسی دقیق روایت آفرینش زن و چگونگی ورود گناه به جهان، آن‌گونه که در عهدین آمده است، ضروری می‌نماید. در ادامه، به تحلیل و تبیین این روایت‌ها در کتاب مقدس پرداخته خواهد شد.

۲-۲. آفرینش زن در عهدین

عهد عتیق در باب‌های اول و دوم سفر پیدایش از آفرینش جهان و انسان پرداخته است. در باب اول از تکوین عالم هستی در شش روز و از آفرینش آدم که نقطه کمال خلقت و مهر پایانی آن است، می‌گوید خداوند انسان را با هدف حکومت و سلطنت بر تمامی هستی خلق نموده است: «آدم را به صورت ما، موافق و شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان



آسمان و بهایم و بر تمامی زمین و همه حشراتی که بر زمین می خزند، حکومت نماید. پس خداوند آدم را به صورت خود آفرید» (سفر پیدایش، باب ۱: ۲۶).

در باب دوم سفر پیدایش، آفرینش آدم با جزئیات بیشتری شرح داده شده و چگونگی خلقت زن نیز مطرح می شود. بر اساس این روایت، چون خداوند میان مخلوقات همراهی مناسب برای آدم نیافت، حوا را از دنده او آفرید. در این نگاه، مرد وجود اصیل و مقدم دانسته می شود و زن، به عنوان موجودی تبعی، تنها برای رفع نیاز مرد و به خاطر او خلق شده است. این روایت مبنای نگاه فرودست انگارانه به زن در سنت یهودی-مسیحی است. در این باره آمده است:

و خداوند گفت: خوب نیست که آدم تنها باشد. پس برایش معاونی موافق وی بسازم (پیدایش، باب ۲: ۱۸). پس آدم همه بهایم و پرندگان آسمان و همه حیوانات صحرا را نام نهاد، لیکن برای آدم معاونی موافق وی یافت نشد. پس خداوند خوابی گران بر آدم مستولی گردانید و یکی از دنده هایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد و خداوند از آن دنده که از آدم گرفته بود، زن را آفرید و وی را به نزد آدم آورد و آدم گفت: همانا این است استخوانی از استخوان هایم و گوشتی از گوشتم. از این سبب نساء نامیده شود زیرا که از انسان گرفته شده است (پیدایش، باب ۲: ۱۸-۲۳).

از دیگر موضوعات مهم مطرح شده در این باب، نقش حوا در گناه آدم و چگونگی هبوط انسان به زمین است. بر اساس تعالیم عهد عتیق، ابتدا حوا فریب شیطان را خورد و سپس آدم را نیز وسوسه کرد. با خوردن میوه درختی که خداوند آن را ممنوع کرده بود، زمینه نافرمانی فراهم شد و در نتیجه، انسان از بهشت رانده شد و هبوط او به زمین رقم خورد. در این باره آمده است:

و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکو است و به نظر درختی دلپذیر و دانش افزا است، پس از میوه اش را گرفته و خورد و به شوهر خود نیز داد. آنگاه چشمان هر دو ایشان باز شد و فهمیدند که عریان هستند و خداوند آدم را ندا داد و گفت: آیا از آن درختی که تو را ممنوع کردم خوردی؟ آدم گفت: این زنی که قرین من ساختی، از میوه درخت به من داد. پس خدا به زن گفت: این چه کار است که کردی؟ و زن گفت: مار مرا اغوا نمود (سفر



پیدایش، باب ۳: ۶ تا ۱۳).

بر اساس تعالیم سفر پیدایش، به سبب نقشی که حوا در فریب آدم و هبوط او به زمین ایفا کرد، خداوند دو مجازات برای او مقرر نمود که تأثیر به‌سزایی در نگرش دینی یهود نسبت به زنان داشته است: نخست تحمل رنج و درد در بارداری؛ و دوم، سلطه و برتری مرد بر زن که به‌عنوان پیامد الهی نافرمانی حوا در متون دینی تفسیر شده است. چنانکه می‌خوانیم: «و خداوند به زن گفت: درد و حمل تو را بسیار افزون گردانم، با درد فرزندی خواهی زاید و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو حکمرانی خواهد کرد» (سفر پیدایش، باب ۳: ۱۶).

البته این دیدگاه در باب گناه آلودگی و نقش زن در فریب آدم، به سفر پیدایش ختم نمی‌شود و در کتب دیگری نیز چون جامعه سلیمان، آیاتی مبنی بر شرارت ذاتی زن وجود دارد از جمله: «زنی که دلش دام تله‌هاست و دست‌هایش کمندها می‌باشد، تلخ‌تر از مرگ است هرکس رضایت خدا را طلب کند او را رها خواهد کرد، گناه کاران در دام او گرفتار خواهد شد» (جامعه سلیمان، باب ۷: ۲۶).

مسیحیت نیز که به‌شدت تحت تأثیر تعالیم یهودیت قرار دارد، در موضوع آفرینش زن به عهد عتیق استناد می‌کند و مانند یهودیان، بر خلقت حوا از دنده چپ مرد و نقش برجسته او در فریب انسان و آلودگی ذات بشر به گناه تأکید دارد. پولس تحت تأثیر این مسئله می‌گوید: «و باید که زن به آرامی و با کمال اطاعت گیرد و زن را به تعلیم دادن اجازت نمی‌دهیم تا آن‌که زیر دست مرد باشد، بلکه سکوت اختیار کند، آدم خلق شد و حوا، آدم فریفته نشد، بلکه زن فریفته شد و از حد تجاوز نمود» (نامه اول پولس به تیموتسیوس، باب ۲: ۱۱ تا ۱۴).

در نامه اول به تیموتائوس نیز بر برتری مرد و فروستگی زن تأکید شده است؛ به‌گونه‌ای که زن در آفرینش، دومین و در ارتکاب خطا، نخستین دانسته شده است. ازاین‌رو، توصیه می‌شود که زنان سکوت اختیار کنند، حق تعلیم به مردان نداشته باشند و مرجعیت دینی نیابند. نقش اصلی آنان در تربیت فرزندان خلاصه شده و شرط ماندن در این نقش، اطاعت و فرمان‌پذیری از مرد عنوان شده است (تیموتائوس، باب ۲: ۱۳-۱۴).



همچنین در میان اندیشمندان مسیحی نیز این مسئله به وضوح دیده می شود (دولتی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۸۹-۱۹۰). برای مثال توماس آکویناس یکی از پراوازه ترین اندیشمندان دینی مسیحی در قرون وسطی، به زن دیدگاهی بدبینانه و ابزاری داشته و معتقد است که زن تنها برای اطاعت از مرد و تولید مثل آفریده شده است: «جنس مؤنث در واقع مذکری است که منحرف شده»، «زنان در عقل و اراده ضعیف ترند، در همه چیز محتاج مرد هستند و مردان فقط برای تولید مثل نیاز به زنان دارند» (دورانت، ۱۳۷۶، ۴: ۱۳۱۱). «زن به علت ضعف طبیعت خود، چه عقلی و چه جسمی، تابع مرد است... مرد آغاز زن و انجام وی است؛ همان طور که خداوند بدایت و نهایت تمام موجودات است... زن طبق قانون طبیعت باید مطیع و منقاد باشد و حال آنکه یک نفر برده چنین نیست». (همان: ۱۱۱۱)

۳. بررسی و تبیین آفرینش زن در قرآن

۳-۱. جایگاه زن در اسلام

زن در اسلام، برخلاف بسیاری از ادیان و تمدن های پیشین، از آغاز نزول وحی الهی جایگاهی والا یافت. قرآن کریم با تعالیم روشن گر خود، تحولی بنیادین در وضعیت زنان در جامعه آن روز عربستان که زنان از ابتدایی ترین حقوق انسانی محروم بودند، ایجاد کرد. در عصری که اعراب جاهلی از تولد دختر شرمگین بودند و برخی، نوزادان دختر را زنده به گور می کردند، قرآن با صراحت با این رفتار ظالمانه مقابله کرد و کرامت انسانی زن را به رسمیت شناخت.^۱ به آنان هویت و شخصیت انسانی بخشیده^۲ و چون مردان آنان را مخاطب آیات الهی قرار داد.^۳ زن و مرد را در مقام عبادت و ایمان یکسان دانسته و برای هر دو پاداش برابر وعده داده است.^۴

۱. «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حُسْبِيَّةً إِمَّا يَبْعَثُوا بِكُمْ سُوءُ نَفْسٍ أَوْ يَكُونُوا لَكُمْ رُزُقًا إِذْ قُتِلْتُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا» (اسراء: ۳۱). «وإذا الموءودة سئلت، بأي ذنب قتلت» (تکویر: ۸-۹).

۲. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (نساء: ۱).

۳. «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» (نور: ۲۴). «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» (توبه: ۷۱).

۴. «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب: ۳۵).



حقوق مالی زن نیز از جمله جنبه‌های قابل توجه در نظام حقوقی اسلام است. قرآن کریم همان‌گونه که برای مردان حق مالکیت بر اموال و دارایی‌هایشان را به رسمیت می‌شناسد، زنان را نیز دارای حق مالکیت، تصرف و بهره‌برداری مستقل از دارایی‌ها و درآمدهای خود می‌داند. این اصل، یکی از نشانه‌های مهم عدالت جنسیتی در احکام اسلامی و تفاوت بنیادین آن با بسیاری از نظام‌های حقوقی پیش از اسلام به شمار می‌رود. «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء: ۳۲). هر یک از مرد و زن را دارای بهره‌ای از ارث می‌داند. «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا» (نساء: ۷).

علاوه بر این در قوانین اسلام، مهریه را نیز ملک زن دانسته که مردان باید با کمال رضایت آن را پرداخت کنند. «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً»؛ (نساء: ۴) چنانکه مخارج و نفقه زن نیز کاملاً برعهده مرد است.

در کنار اهتمام و توجه قرآن کریم به جایگاه و شخصیت زن، یکی از مسائلی که همواره پیامبر اسلام^(ص) نیز بدان تأکید می‌کردند، جایگاه انسانی و کرامت زن در اسلام بوده است. تا جایی که ایشان نشانه کمال ایمان در مردان را خوش رفتاری و خوش خلقی با زنان می‌دانستند^۱ و در مقابل پست‌ترین افراد را مردانی می‌دانست که به تحقیر زنان می‌پرداختند. «بهترین شما، بهترینتان با خانواده است و من بهترین شما با خانواده هستم. جز کریمان زنان را تکریم نکنند و جز انسان‌های پست زنان را تحقیر نمایند» (بدران، ۱۴۰۷، ۷: ۵۰) لذا همواره به مسلمانان تأکید می‌کردند که باید حقوق زنان را رعایت کنند،^۲ با خانواده خود به نیکی و محبت رفتار کنند و در این محبت حتی دختران را بر پسران مقدم بدارند.^۳

باید افزود که حق حضور و مشارکت زنان در مسائل اجتماعی و سیاسی، همچون حضور در مشورت‌ها و تصمیم‌گیری‌های عمومی، حق انتخاب همسر، برابری در تحصیل و کسب

۱. «هرچه آدمی ایمانش افزایش یابد، علاقه‌اش به زنان بیشتر گردد» (نوری طبرسی، ۱۴۱۱، ۱۴: ۲۴۹).

۲. «کامل‌ترین مؤمنان در ایمان، خوش خلق‌ترین آنهاست و بهترین شما خوش خلق‌ترین شما با زنانند» (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۹۲).

۳. «ای مردم! بانوان شما بر شما حقوقی دارند و شما نیز بر آنان حقوقی دارید. من به شما سفارش می‌کنم که به زنان نیکی کنید؛ زیرا آنان امانت‌های الهی در دست شما هستند و با قوانین الهی بر شما حلال شده‌اند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۳: ۲۴۷).

۳. «مستحب است که مرد برای اهل و عیالش هدیه بخرد و هنگام تقدیم نمودن از دختران آغاز کند» «هر کس دخترش را شاد کند، گویا بنده‌ای از اولاد اسماعیل در راه خدا آزاد نموده است» (الحر العاملی، ۱۳۸۵، ۱۵: ۲۲۷).



علم، و دفاع از حقوق زنان در برابر تهمت و افترا از جمله مسائل دیگری است که در قرآن کریم و سیره پیامبر اسلام^(ص) به آن تأکید شده است. این مسائل به وضوح نشان‌دهنده برابری جایگاه زن و مرد در دین اسلام و احترام به حقوق و کرامت انسانی زنان است.

۲-۳. آفرینش زن در قرآن

قرآن کریم در خصوص آفرینش انسان مطالب متعددی مطرح کرده است. مهم‌ترین نکته این است که از دیدگاه قرآن، همه انسان‌ها، چه زن و چه مرد، از نفس واحد به وجود آمده‌اند و هر دو از یک زن و مرد خلق شده‌اند. آیات قرآن به وضوح بر این موضوع تأکید دارد که انسان‌ها به‌طور یکسان از نظر خلقت و کرامت انسانی دارای ارزش هستند. این نگاه، تفاوت‌های جنسیتی را در چارچوب تکامل و هم‌زیستی متوازن در نظر می‌گیرد. قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء: ۱). هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (الأعراف: ۱۸۹).

چنان‌که پیشتر اشاره شد، یکی از تحقیرهای نادرست در مورد زنان در سنت‌های گذشته، از جمله در کتاب مقدس، جنس دوم و ضعیف پنداشتن آنان است. در حالی‌که از دیدگاه قرآن کریم، زن نه از دنده چپ مرد آفریده شده است و نه جزئی از مرد، بلکه زن خود از جنس مرد است. برای نمونه در آیه «وخلق منها زوجها»، واژه «زوج» به معنای آن چیزی است که یک و دو می‌کند، بنابراین هم شامل مرد و هم زن می‌شود. همچنین خداوند در آیه «فجعل منه الزوجين الذكر والأنثى» (قیامت: ۳۹). یا در اشاره به زنان بهشتی به عنوان «ازواج» مطهر، بر برابری و همتایی زن و مرد تأکید دارد. این‌گونه آیات نشان می‌دهند که زن و مرد هر دو زوج یکدیگرند، هرچند در برخی موارد به منظور رفع اشتباهات یا برای مقاصد ادبی، از واژه‌های «زوج» و «زوجه» به‌طور خاص استفاده می‌شود. شهید مطهری در این زمینه می‌گوید: «اسلام از نظر فلسفی و از نظر تفسیر خلقت، نه تنها نظر تحقیر آمیزی نسبت



به زن نداشته است، بلکه قرآن با کمال صراحت در آیات متعدد می‌فرماید که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده‌ایم» (مطهری، ۱۴۰۰: ۱۵۲).

باید تأکید کرد که در قرآن کریم نیز به داستان آدم و حوا و نافرمانی آن‌ها از خداوند به دلیل نخوردن از میوه درخت ممنوعه اشاره شده است؛ اما در این کتاب آسمانی، قرآن از هر دو جنس، زن و مرد، به یک لحن سخن می‌گوید و هر دو را به طور یکسان در سرپیچی از فرمان خداوند مسئول می‌داند. برخلاف برخی تفاسیر دیگر که تمام بار گناه را بر دوش حوا می‌گذارند، قرآن هیچ‌کدام از دو نفر را به طور انحصاری مقصر نمی‌داند. بنابراین در قرآن در این باره آمده است که خداوند از هر دو، آدم و حوا، خواسته بود که به درخت ممنوعه نزدیک نشوند:

«وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» (اعراف: ۱۹). اما شیطان هر دو را وسوسه کرد: «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ» (اعراف: ۲۰) در نتیجه، هر دو مورد توبیخ خداوند قرار گرفتند: «وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ» (اعراف: ۲۲). مجازات هر دوی آن‌ها بیرون راندن از بهشت بود: «فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ» (بقره: ۳۶) در نهایت، هر دو توبه کردند: «قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (اعراف: ۲۳). و خداوند توبه هر دو را پذیرفت: «فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (بقره: ۳۷)

بنابراین می‌توان گفت که اولاً در قرآن زن و مرد از نظر خلقت و آفرینش برابر هستند و هیچ یک بر دیگری برتری ندارند. ثانیاً هیچ اشاره‌ای به گناه ذاتی و نقش حوا در آن وجود ندارد؛ زیرا در قرآن هر فرد مسئول اعمال خود است و گناه هیچ کس بر دوش دیگری نیست. به این ترتیب، تمام انسان‌ها پاک و عاری از هر گناهی به دنیا می‌آیند. همچنین در قرآن تفاوتی در ارزش‌گذاری بین زن و مرد وجود ندارد و برای رشد و تعالی معنوی هر دو جنس توانایی یکسانی در نظر گرفته شده است. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷). در این کتاب آسمانی، یگانه راه برتری تقوای الهی است: «إِنْ أَكْرَمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳).

در مورد مسئله خلقت زن به عنوان همسر، نگرش برابری وجود دارد. هیچ‌گونه رویکرد



حقارت‌آمیز یا ابزاری نسبت به زن در این جایگاه مشاهده نمی‌شود. بر اساس آموزه‌های قرآن، زن و مرد هر دو شریک در فرایند خلقت هستند و به‌عنوان زوج‌های یکدیگر در راستای تکامل انسانی و اجتماعی قرار دارند. این دیدگاه، جایگاه زن را در خانواده به‌عنوان همسری محترم و هم‌تساوی با مرد نشان می‌دهد. چنانکه در قرآن می‌خوانیم: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱).

باید گفت این آرامش و تسکین تنها مختص مردان نیست، بلکه به همان اندازه که زن موجب آرامش مرد می‌شود، مرد نیز موجب آرامش زن است. مودت و رحمت میان آن دو، طرفینی است. این دوستی و رحمت متقابل را می‌توان از واژه «ازواج» دریافت کرد. همان‌طور که بیان شد، واژه «زوج» که جمع آن «ازواج» است، به معنای همسر است و برای هر دو، زن و مرد، به‌طور یکسان اطلاق می‌شود.

یکی از تعابیر زیبایی که قرآن برای زن و مرد در رابطه با ازدواج به‌طور مشترک به کار برده، تعبیر «لباس» است: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره: ۱۸۷). این تعبیر نشان‌دهنده رابطه‌ای متقابل و حمایتی است که میان زن و مرد در ازدواج برقرار است. در این دیدگاه، زن و مرد نه تنها از نظر جسمی و عاطفی مکمل یکدیگرند، بلکه همچون لباس برای یکدیگر، به‌عنوان پوششی برای آرامش و راحتی، فراهم‌کننده یک فضای امن و آرام برای هم هستند. این مفهوم بیان‌گر برابری و ارتباط متقابل در زندگی مشترک است.

اگر قرآن فلسفه آفرینش زن را برای مرد می‌داند، این مسئله قطعاً در قوانین و تعالیم آن منعکس می‌شود؛ اما چون اسلام خلقت زن را به‌طور مستقل و نه وابسته به مرد می‌داند، در قوانین خود چنین تفکری وجود ندارد و در این زمینه تفاوتی میان زن و مرد نهادینه نکرده است.

۳-۳. روایات و مسئله خلقت زن

با وجود آن‌که قرآن کریم در موضوع آفرینش زن، نگاهی برابر، عقلانی و متعالی دارد و بر این دیدگاه تأکید کرده است، اما در برخی روایات و متون تفسیری موجود در منابع اسلامی، تفسیری متفاوت و گاه متأثر از آموزه‌های کتاب مقدس دیده می‌شود؛ تفسیری که هم‌راستا با آیات قرآن نیست. برای نمونه، تفسیر طبری که از تفاسیر معتبر اهل سنت به‌شمار

می‌آید، برخلاف آنچه قرآن دربارهٔ آفرینش حوا بیان می‌کند، خلقت زن را از دندهٔ چپ مرد می‌داند. در این تفسیر، به نقش حوا در فریب حضرت آدم و هبوط آن دو از بهشت اشاره شده و بر همین اساس، کاهش مرتبهٔ عقل زن و تحمّل بارداری و زایمان، به‌عنوان نوعی مجازات الهی برای او تلقی شده است.

در تفسیر طبری آمده است: «خداوند از آدم پرسید که دلیل نافرمانی تو از دستور من چه بود. آدم گفت: خداوند! حوا بود. خداوند فرمود: باید هر ماه او را به خون آغشته کنم، چنانکه درخت را خون آلود کردم و او را بی‌عقل گردانم، حال آنکه که قبلاً او را خردمند آفریده بودم و حاملگی و وضع حمل را برای او ناخوشایند سازم» (طبری، ۲۰۱۰، ص ۲۳۷).

علامه طبرسی نیز در این رابطه می‌گوید، بیشتر مفسران معتقدند، حوا از ضلعی از ضلع‌های آدم آفریده شده است و بر همین اساس از پیامبر اکرم (ص) روایت می‌کنند که می‌فرمایند: «خُلِقَتِ الْمَرْأَةُ مِنْ ضِلْعِ آدَمَ، إِنَّ أَعْمَتَهَا كَسَرَتَهَا وَإِنْ تَرَكَتَهَا فِيهَا عَوَجٌ اسْتَمْتَعَتْ بِهَا» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۳: ۵). بدین معنا که حوا همسر آدم، از یک قسمت از دنده‌های وی آفریده شده است و از این رو، کمی کج خلق و ناسازگار است؛ لذا اگر بخواهی وی را راست کنی، می‌شکند، ولی اگر به همان صورت رهایش سازی (و با کاستی‌ها و کج خلقی‌های وی بسازی) از او بهره‌مند خواهی شد.

در مواجهه با این روایات باید گفت، اصل در اسلام همان آیات قرآن کریم است که به طور مستقیم و صریح تأکید می‌کند، خداوند زن و مرد را از نفس واحد خلق کرده است. آیاتی چون:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا» (نساء: ۱).

واژه نفس نیز در این آیه به گفته علامه طباطبایی آن چیزی است که انسانیت انسان به آن مقوم است و مقصود از آن، همان روح و گوهر آدمی است که در همهٔ انسان‌ها مشترک می‌باشد. بنابراین ایشان دیدگاه خلقت حوا از برخی از اجزای آدم را بی‌اساس می‌داند (ر.ک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ۴: ۱۳۵-۱۳۶).

علاوه بر این عبارت «وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» و از آن دو [آدم و همسرش]، مردان



و زنان بسیاری را به وجود آورد»، شاهی روشنی بر این معنا است که منشأ همه انسان‌ها به یک زن و مرد بازمی‌گردد. بر اساس این آیه، نسل بشر از آدم و حوا سرچشمه گرفته و پیدایش، رشد و گسترش آن، نتیجه نقش آفرینی هر دوی آن‌ها است. بنابراین حتی اگر مردی به مقامی والا و مرتبه‌ای بزرگ برسد، نباید از یاد ببرد که اصل و ریشه‌اش به زن و مردی مشترک بازمی‌گردد. اگر مردی دارای ماهیت انسانی است، حاصل پیوند زن و مردی است که هر دو از ماهیتی یگانه برخوردار بوده‌اند. در نتیجه، تمام انسان‌ها - چه مرد و چه زن - از جوهره‌ای مشترک به وجود آمده‌اند (ر.ک. داوودی، ۱۳۸۳، ش ۲۷۸).

علاوه بر دلالت آیات قرآن در مسئله خلقت حوا، در متون دینی، روایات بسیاری نیز وجود دارد که دیدگاه قرآن را تأکید و روشن می‌سازد و به نفی روایاتی می‌پردازد که حوا را از دنده چپ انسان می‌داند. برای مثال می‌توان به روایت امام باقر^(ع) اشاره کرد که می‌فرماید خداوند حوا را از باقی مانده گل آدم خلق کرده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ حَوَّاءَ مِنْ فَضْلِ الطِّينَةِ الَّتِي خَلَقَ مِنْهَا آدَمَ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۳: ۶).

در روایت دیگری نیز آمده که راوی نقل می‌کند، از امام باقر^(ع) پرسیدم: «خداوند حوا را از چه چیزی آفرید؟» ایشان فرمود: «مردم چه می‌گویند؟» گفتم: «آن‌ها می‌گویند خداوند او را از ضلعی از ضلع‌های آدم آفرید» فرمود: «دروغ می‌گویند! آیا خداوند نمی‌توانست از غیر آن بیافریند؟» پرسیدم: «پس از چه چیزی آفرید؟» فرمود: «پدرم به من خبر داد، او نیز از پدرانش که پیامبر خدا^(ص) فرمود: «خداوند مقداری از گل را گرفت و آنها را مخلوط کرد و از وی آدم را آفرید و از باقیمانده همان گل، حوا را آفرید» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۴: ۱۴۶).

شیخ صدوق نقل می‌کند: زرارة بن اعین، از امام صادق^(ع) سؤال کرد، نزد ما مردمی هستند که می‌گویند: «خداوند حوا را از بخش نهایی ضلع چپ آدم آفرید». امام^(ع) فرمود: «خداوند از چنین نسبتی منزّه است و برتر از آن است... آیا کسی می‌تواند بگوید که خداوند توان آن را نداشت که همسر آدم را از غیر دنده او خلق کند تا بهانه به دست عیب‌جویان دهد که بگویند، بعضی از اجزای آدم، با بعضی دیگر نکاح نموده است». سپس فرمودند: «خداوند بعد از آفرینش آدم، حوا را به صورت تازه و نوپدید آورد» (صدوق، ۲۰۲۳، ۳: ۲۳۹).

با توجه به آیات قرآن و روایات معتبر، می‌توان دریافت که حوا نه از دنده چپ آدم و نه از

بخشی از بدن او آفریده شده است، بلکه همان خدایی که آدم را از نفسی یگانه و جوهری انسانی آفرید، برای تکمیل آفرینش و گسترش نسل بشر، از همان نفس، همسری به نام حوا برای او پدید آورد. این آفرینش دوگانه، مبتنی بر اصل اشتراک در گوهر انسانی و هدف آن، ایجاد آرامش، انس و رشد متقابل میان زن و مرد است.

در مقابل، روایاتی که خلقت زن را از دنده آدم می‌دانند و زن را موجودی طفیلی، ناقص‌العقل و فریب‌دهنده معرفی می‌کنند، نه تنها با آیات قرآن در تعارض است، بلکه با بخش مهمی از روایات اسلامی نیز هم‌خوانی ندارد. از این رو چنین روایاتی از نظر معرفت‌شناختی فاقد اعتبار به‌شمار می‌آیند. افزون بر این، شباهت محتوای آن‌ها با آموزه‌های توراتی، نشان می‌دهد که این روایت‌ها در واقع از متون یهودی برگرفته شده و به‌مرور زمان، از طریق هم‌زیستی فرهنگی مسلمانان با یهودیان، وارد برخی تفاسیر و روایات اسلامی شده‌اند. از این منظر، باید آن‌ها را در شمار اسرائیلیات دانست، نه روایات معتبر اسلامی.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب مطرح‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که دین یهود، به‌سبب پیشینه‌ای طولانی و نیز هم‌زیستی با آیین‌ها و باورهای غیرتوحیدی، و از سوی دیگر، به دلیل تحریف‌هایی که در طول زمان در تعالیم آن رخ داده است، برای زن جایگاهی فروتر و نابرابر در عرصه خانواده و اجتماع قائل شده است. تا آنجا که زن را موجودی ذاتاً شرور، گناه‌کار و آلوده به خطا می‌پندارد و به همین سبب، او را از دستیابی به بسیاری از معارف و اعمال دینی محروم می‌سازد. همچنین بر اساس روایت‌های عهد عتیق، زن در ماجرای آفرینش، موجودی فرعی و وابسته به مرد معرفی شده، چرا که از دنده چپ آدم آفریده شده است. افزون بر این، زن در گمراه ساختن آدم و سقوط انسان از بهشت، نقشی فعال داشته و به همین دلیل، درد بارداری، سختی پرورش فرزند و سلطه مرد، به‌عنوان مجازات الهی بر او تحمیل شده است. در این زمینه، مسیحیان نیز به‌شدت از باورها و نگرش‌های یهودی تأثیر پذیرفته‌اند؛ زیرا علاوه بر عهد جدید که همان انجیل است، عهد عتیق را نیز معتبر، مقدس و الهی می‌دانند. بر همین اساس، همانند یهودیان، بر نقش حوا در گناه نخستین و رانده شدن انسان از بهشت تأکید دارد. این موضوع در مسیحیت حتی برجسته‌تر نیز شده است؛ زیرا مطابق تعالیم



انجیل، بشر به سبب فریب خوردن حوا از شیطان و به دنبال آن، وسوسه کردن آدم برای خوردن میوه ممنوعه، مرتکب گناهی ذاتی شده است. از این رو، خداوند برای آمرزش این گناه که انسان و طبیعت را آلوده ساخته، حضرت عیسی مسیح^(ع) را فدای آن کرد و به صلیب سپرد تا این گناه بنیادین را جبران نماید.

در برابر چنین روایتی از آفرینش زن و مسئله گناه نخستین، قرآن کریم نگاهی عقلانی، انسانی و متعالی به زن دارد. از دیدگاه قرآن، زن و مرد در آفرینش از یک گوهر و نفس یگانه پدید آمده‌اند و هیچ کدام بر دیگری برتری ذاتی ندارند. همچنین در موضوع هبوط از بهشت، نقش حوا و آدم در برابر وسوسه شیطان، یکسان در نظر گرفته شده و تمامی مسئولیت خطا به دوش زن انداخته نمی‌شود. این نگاه متوازن و عادلانه نسبت به زن، در سراسر آیات قرآن به روشنی قابل مشاهده است؛ به گونه‌ای که با تأمل در این کتاب الهی، جایگاه واقعی، انسانی و برابر زن در نظام آفرینش و در جامعه انسانی به خوبی نمایان می‌شود.

فهرست منابع

قرآن کریم

کتاب مقدس

۱. آشتیانی، جلال‌الدین، (۱۳۸۳)، تحقیقی در دین یهود، تهران: نگارش.
۲. بدران، عبدالقادر، (۱۴۰۷ ق)، تهذیب تاریخ دمشق، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. توفیقی، حسین، (۱۳۸۵)، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران: سمت.
۴. داوودی، سعید، (۱۳۸۳)، «جایگاه زن در نظام آفرینش از دیدگاه قرآن»، پاسدار اسلام، شماره ۲۷۸،
۵. دورانت، ویل، (۱۴۰۱)، لذات فلسفه (ترجمه عباس زریاب‌خوئی)، تهران: انتشارات نگاه.
۶. دورانت، ویلیام جیمز، (۱۳۷۶)، تاریخ تمدن (ترجمه احمد آرام و دیگران)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. دولتی، غزاله و دیگران، (۱۳۸۸)، بررسی مبانی فلسفی، کلامی و آثار علمی فمینیسم، قم: دفتر نشر معارف.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم - الدار الشامیه.
۹. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابوبکر، (بی‌تا)، الاتقان فی علوم القرآن، بی‌جا: مکتبه دارالتراث.
۱۰. صدوق، محمد بن علی، (۲۰۲۳ م)، من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات جامعه‌المدرسین.
۱۱. طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۳. طبری، ابن جریر، (۲۰۱۰ م)، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت: دارالفکر.



۱۴. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ ق)، الامالی، قم: دارالثقافة.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۶. المسیری، عبدالوهاب، (۱۳۸۳)، دائرهالمعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های تاریخ خاورمیانه.
۱۷. مطهری، مرتضی، (۱۴۰۰)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: نشر آثار شهید مطهری.
۱۸. نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی، (۱۴۱۱ ق)، مستدرک الوسائل، بی جا: مؤسسه آل البیت^(ع) لإحياء التراث.
۱۹. وان وورست، رابرت ای، (۱۳۸۴)، مسیحیت از لابه لای متون (ترجمه: جواد باغی و عباس رسولزاده)، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.